

# اثر ذهنیت فلسفی معلم بر چگونگی اجرای برنامه‌درسی

## اشاره

فلسفه مبنایی‌ترین عامل تهیه و تدوین، سازمان‌بندی و اجرای هر برنامه‌درسی است. هر آنچه مورد یادگیری است، بر مبنای فلسفه‌ای شکل‌پذیر است. «فلسفه ما از تعلیم و تربیت در هر سطح، بر تصمیمات آموزشی، انتخاب‌ها و خط‌مشی‌هایمان اثرگذار است.» دست هر یک از ما معلمان، بدون توجه به فلسفه‌مان، از یاددهی و کلیت نظام تعلیم و تربیت موردنظرمان خالی است و برعکس، با توجه کافی و آگاهانه به آن، به راحتی می‌توانیم هرگونه فرایند یاددهی-یادگیری را سروسامانی نیکو بخشیم. توجه به فلسفه یاددهی-یادگیری چارچوب‌های سازمان‌بندی اجرای برنامه‌های درسی را پیوسته در ذهن و عمل ما پدیدار نگه می‌دارد و ما را در پاسخ‌گویی به چرایی تعلیم و تعلم، منظور و مقصود آموزش و ارزش‌های آموختن کمک می‌کند. توجه مستمر به فلسفه آموزش، تدوین هدف‌های کار و تلاش در سرتاسر فرایند یاددهی و یادگیری، انتخاب محتوای آموزش، اتخاذ راهبردهای اجرا، و گزینش فنون و راهکارهای مبادرت به عمل را تحت کنترل می‌گیرد و هدایت‌گر کلیه فعالیت‌ها و تجربه‌های قابل اعمال در کلاس درس خواهد بود. در این نوشتار، درباره ضرورت و اهمیت ذهنیت فلسفی و هشیارانه معلمان به هنگام اجرای برنامه‌های درسی در کلاس‌های درس بحث می‌کنیم.

**کلیدواژه‌ها:** فلسفه، فلسفه تعلیم و تربیت، ذهنیت فلسفی معلم، هدف‌های کلان برنامه‌های درسی

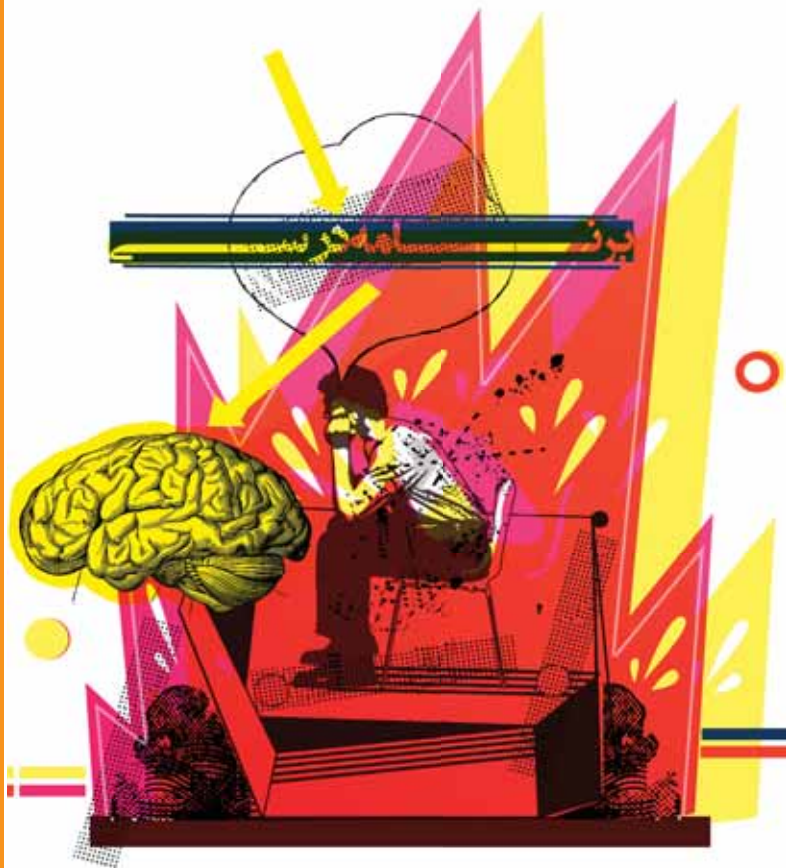
## اثر ذهنیت فلسفه اجتماعی معلم بر عملکرد کلاسی او

آنچه از فلسفه زندگی اجتماعی در ذهن هر معلم جای دارد، اثرگذار اصلی و اساسی شکل‌گیری رفتارهای او در ایفای نقش معلمی‌اش است. اگرچه بخشی از این فلسفه حاصل آموزه‌های معلمی اوست، اما این فلسفه به‌طور حتم، از تجربه‌های قبلی او در زندگی، در کل، و تجربه‌های قبلی معلمی او در محیط‌های آموزشی، به‌طور خاص، نیز منبعت است. باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های کلی او در زندگی، همه در چگونگی عمل وی در کلاس درس اثرگذارند. فلسفه فکری هر فرد عبارت است از تلقی، تفسیر، تشریح و ارزیابی وی از دنیا و محیط

اطراف، از زندگی و چرایی و چگونگی آن و به تبع این تفکر، چرایی و چگونگی ایفای نقش پرمسئولیت معلمی برای هر معلم مسئول و متعهد.

**ارنشتاین (۲۰۰۵)**، از زبان علمای اجتماعی می‌گوید، «فلسفه فکری فرد در واقع از دید اجتماعی اوست. او متعهد است که تصمیم‌نهایی برنامه‌ریزان درسی به‌عنوان تدوین‌کنندگان برنامه، و معلمان به‌عنوان عوامل اجرایی آن برنامه‌ها، صرف‌نظر از منابع گوناگونی که برای کار خود به کار می‌گیرند و جدا از ضرورت‌هایی که به مناسبت اقتدار مدیران بالادست خود رعایت می‌کنند، خواه‌ناخواه از ذهنیت‌های فلسفی‌شان نشئت می‌گیرد و اینکه تجربه‌های قبلی آن‌ها در جامعه چه بوده و چه برداشت‌ها و تفسیرهایی بر ذهن آن‌ها حکم فرماست. همچنین، اینکه به چه گروه، نحله و طرز تفکری تعلق دارند، چه ارزش‌هایی را ارج می‌نهند و به چه باورها، گرایش‌ها و منش‌هایی مجهزند. نکته اینجاست که چگونه می‌توان میان فلسفه‌های فکری فردی، نحله‌ای و گروهی و بایدهای تفکر فلسفی برنامه‌های رسمی آموزشی مصالحه کرد و فرایند یاددهی-یادگیری را مسئولانه در جهت تحقق هدف‌های مورد نظر در برنامه‌های درسی به نحو مطلوب و به نفع آتیۀ موفق یادگیرندگان هدایت نمود.

ارنشتاین می‌گوید، اگرچه هیچ فردی نمی‌تواند نسبت به فلسفه شخصی به هنگام عمل اجتماعی، به ویژه کار معلمی، کاملاً بی‌تفاوت و یا بی‌اعتنا باشد، اما تعهد به مسئولیت‌پذیری در قبال وظیفه و نقشی که برعهده گرفته است، حکم می‌کند که آگاهی و دانش خود نسبت به فلسفه، رویکردها، سیاست‌ها و گرایش‌های کلی مورد نظر در برنامه‌های مورد اجرا را گسترش دهد و دیگر وقایع از جمله هدف‌ها، انتظارات و رویکردهای برنامه را از زوایای لازم بنگرد. معلمان باید مسائل پیش‌رو را از جانب چشم‌اندازهای برنامه تحلیل کنند و با تعدیل فلسفه شخصی به نفع تحقق هدف‌های برنامه‌ای که مسئولیت اجرایی آن را برعهده گرفته‌اند، به نوعی مصالحه به نفع



## فلسفه فکری هر فرد عبارت است از تلقی، تفسیر، تشریح و ارزیابی وی از دنیا و محیط اطراف، از زندگی و چرایی و چگونگی آن

مورد نظر در برنامه درسی است که غالباً مجریان برنامه‌ها از آن غفلت می‌کنند. بسیاری از تلاش‌ها و فعالیت‌های عینی در کلاس‌های درس فقط تحت توجه هدف‌های خاص موضوع درسی و بدون توجه و دقت به هدف‌های کلان برنامه و فلسفه کلی تعلیم و تربیت در نظام آموزش و پرورش شکل می‌گیرد. وقت آن است که ما معلمان:

- به ضرورت و اهمیت توجه به «فلسفه» تعلیم و تربیت و هدف‌های کلان برنامه‌های درسی توجه دقیق داشته باشیم؛
- ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر در برنامه‌های درسی را بشناسیم؛
- چشم‌اندازها، هدف‌ها، سیاست‌ها و رویکردهای برنامه را تحلیل کنیم؛
- تفکر فلسفی خویش در خصوص فرد، جامعه، انسان، خدا، طبیعت و موجودات دیگر غیر از خود را به «سطح آگاهی» منتقل و آن‌ها را مرور کنیم؛
- به وظیفه و تعهد و مسئولیتی که در رهبری آموزشی برعهده گرفته‌ایم، ژرف‌تر بنگریم؛
- میان ذهنیت‌های فردی، گروهی، نحله‌ای و برنامه‌ای رسمی، به نفع دانش آموز یعنی یادگیرنده مصالحه کنیم؛
- تصمیمات اجرایی برنامه‌های درسی در کلاس‌های درس را با چشم باز، هشیارانه، آزادانه و مسئولانه در جهت تحقق هدف‌های خرد و کلان توأمان اتخاذ کنیم.

برنامه برسند. معلمان هرچقدر فهیم‌تر، بالنده‌تر و از نظر شخصیتی منسجم‌تر و نیز هرچه کمتر اسیر و برده خودخواهی و خودبینی و گرایش‌های ضدونقیض ارزشی فردی و گروهی باشند، بهتر و سریع‌تر می‌توانند به چنان مصالحه‌ای دست یابند و ارزش‌ها و هنجارهای برنامه‌های درسی را پیوسته چراغ راه اعمال قرار دهند. این‌گونه معلمان می‌توانند با تحلیل‌های درست، چشم‌اندازها، هدف‌ها، رویکردها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، برنامه‌های درسی را پیوسته مورد توجه قرار دهند و آن‌ها را با فلسفه شخصی به هنگام نبود تطابق، در هم نیامیزند و به نفع ذهنیت‌های خود مصالحه نکنند.

**دیوبی** (نقل از ارنشتاین، ۲۰۰۵) گفته است: «فلسفه آموزش یعنی چارچوبی از چرایی و چگونگی یاددهی-یادگیری، نه تنها باید در آغاز کار مدرسه و کلاس‌داری، بلکه باید در تمامی مراحل فعالیت‌های فرایندی آموزشی مد نظر باشد». به نظر وی: «تعلیم و تربیت به منزله آزمایشگاهی است که دقایق چارچوب فلسفی جامعه در آن به منصفه آزمایش و تجربه در می‌آید» (همان).

به نظر رالف تایلر، برنامه‌ریز بزرگ درسی، (نقل از همان)، دقایق چارچوب فلسفی همان مواردی هستند که ماهیت زندگی خوب از نظر فردی و اجتماعی را می‌نمایانند و ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که تحقق آن‌ها توصیه می‌شود. در واقع، آنچه تفاوت در ذهنیت‌های فلسفی را موجب می‌شود، تفاوت در دیدگاه‌های کلی نسبت به واقعیت‌ها (هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و ...)، ارزش‌ها و هنجارها و راه و روش‌های رسیدن به سرمنزل مقصودهاست. برنامه‌ریزان درسی و معلمان و مجریان آن که مسئولیت راهبری در جبهه‌های مربوط به خود را برعهده گرفته‌اند، باید با کسب شناخت کافی از نقش فلسفه شخصی و جمعی و اجتماعی، بنابر ویژگی‌های خاص فلسفه تعلیم و تربیت در نظام آموزشی خود، بتوانند به بهترین وجه ممکن نقش پر مسئولیت خویش را ایفا کنند.

### جمع‌بندی

معلمان، به‌عنوان مجریان برنامه‌های درسی پیوسته در معرض تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند تا بتوانند دغدغه‌های برنامه‌های درسی را که مسئولیت اجرای آن‌ها در کلاس درس برعهده آن‌هاست، مراعات و هدف‌های موردنظر را به تحقق رهنمون شوند. تصمیم‌گیری در اتخاذ رویکردها عمدتاً از ذهنیت‌های فلسفی مجریان منبث می‌شود. اقدام بسیار مهم، به هنگام تصمیم‌گیری مجریان، بررسی و آزمودن فلسفه‌های شخصی با فلسفه

#### \* منبع

1. Ornstein, Allan. 2005 Philosophy as a Basis For Curriculum Decisions. retrieved, june, 25, 2015. google.com Search.